

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
گروه پژوهشی حکمت اسلامی معاصر

رساله دکتری رشته حکمت متعالیه

# ولایت و تحلیل شئون معنوی آن در اندیشه ملاصدرا با تکیه بر شرح اصول کافی

استاد راهنما  
دکتر هادی وکیلی

استاد مشاور  
دکتر شهرام پازوکی

پژوهشگر  
فرشته کاظم پور

اردیبهشت ۱۳۹۷

## سپاسگزارم از

- استاد بزرگوارم دکتر شهرام پازوکی که از سال ۱۳۷۰ شاگرد ایشانم و شاگردی ایشان برکت زندگی من است.
- استاد ارجمندم دکتر هادی وکیلی که زحمت سالهای تحصیلم در دوره دکتری را با محبت تمام به عهده گرفتند.
- استاد ارجمندم دکتر رضا کوهکن به خاطر محبت‌های بی‌بدیل و مشورت‌های سودمندشان.
- اساتید ارجمندم سرکار خانم دکتر مریم صانع پور، آقای دکتر رضا اکبری، آقای دکتر عبدالرزاق حسامی‌فر که با لطف تمام داوری رساله‌ام را پذیرفتند.

## تقدیم به

همه آنها که در تربیت معنوی من کوشیدند و در کوره‌راه‌های پر تلاطم زندگی، نور تابنده زندگی من هستند. و تقدیم به استاد سفرکرده‌ام، سالک بی‌نظیر و بدیل، مصداق اعلا‌ی عشق به حضرات معصوم (علیهم‌السلام)، آیت‌الله سید محمدرضا علوی تهرانی که نوجوانی‌ام را در سایه‌سار وجود نورانی ایشان، به شیرینی تمام زیستم و داغش در دلم و یادش در خاطر من زنده است تا در سفر آخرت به این نشان‌ها بشناسدم و در جوار خویش کریمانه پناهم دهد...

## چکیده

ولایت و امامت از مهم‌ترین اصول اعتقادی مذهب تشیع است که همواره متفکران، براهینی در دفاع از این اصول ارائه کرده‌اند. دیدگاه ملاصدرا دربارهٔ ولایت به عنوان شأن معنوی، عمدتاً در کتاب *شرح اصول کافی* و در مقام تبیین فلسفی - عرفانی تعدادی از مهم‌ترین روایات وارده از معصوم به ثبت رسیده‌است که علی‌رغم اهمیت آنها در تبیین ولایت معنوی و تأثیرشان بر سایر زوایای فکری ملاصدرا، همواره مغفول مانده‌اند.

حکیم صدرا در مقام شرح این روایات، از سه منظر هستی‌شناختی، جهان‌شناختی و انسان‌شناختی به تبیین ولایت معنوی پرداخته‌است. ولایت از منظر هستی‌شناختی، مکمل دایرهٔ وجود در قوس صعود و مجرای تجلی حقیقت از افق عدم در قوس نزول به شمار می‌آید. از منظر جهان‌شناختی، تجلی جهان خلقت و ظهور مراتب عالیه و سافله آن از بطون حقیقت به یمن وساطت ولی که مظهر اسم اعظم و مجمع اسماء و صفات عالیات است صورت می‌گیرد و از منظر انسان‌شناختی، ولایت مقام خلافت کبری و مشیت عظمای الهی است که آخرین مرتبه در قوس نزول و اولین مرتبه در قوس صعود محسوب می‌شود و به همین جهت با دارا بودن مقام «کون جامع»، نقطهٔ اخیره دایره کمال را به نقطهٔ اولیه آن متصل می‌سازد تا مقام مجمع‌البحرین را برای ولی الهی رقم بزند. در راستای بررسی این سه منظر مهم، دو نگاه تاریخی‌نگر و پدیدارشناسانه را نیز که منجر به دو رأی مختلف درباره حکیم صدرا شده‌است، بررسی کرده دلایل رد و قبول هر یک را با استناد به نظریات محققانی که گرایش به یکی از این دو دیدگاه دارند، مورد بحث و نقد قرار خواهیم داد.

**کلیدواژه‌ها:** ملاصدرا، ولایت، شرح اصول کافی، شیعه.

## فهرست

۱. مسأله پژوهش.....	۱
۲. اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۵
۳. اهداف پژوهش.....	۶
۴. پرسش‌های پژوهش.....	۶
۵. فرضیه‌های پژوهش.....	۷
۶. پیشینه پژوهش.....	۸
<b>فصل اول.....</b>	<b>۱۱</b>
<b>کلیات.....</b>	<b>۱۱</b>
۱. آموزه ولایت در معارف اسلامی.....	۱۱
ولایت در لغت.....	۱۵
ولایت از منظر قرآن کریم.....	۱۵
چهار دسته آیات شریفه درباره: ولایت تکوینی خدا، ولایت تشریحی خدا،.....	۱۶
۲. ولایت در اندیشه ملاصدرا.....	۱۸
ملاصدرا؛ عارف و حکیم شیعی.....	۲۰
۳. ولایت در آثار ملاصدرا.....	۲۲
اهمیت شرح اصول کافی صدرالمتألهین شیرازی (ره).....	۲۲
مبانی فلسفی صدرا در شرح روایات.....	۲۷
نگرش‌های عرفانی ملا صدرا در شرح اصول کافی.....	۲۹
عناوین اصلی اصول کافی.....	۳۱
تعداد روایات کافی.....	۳۱
پژوهش‌های انجام شده درباره کافی.....	۳۲

فصل دوم	۳۳
۲. تبیین هستی‌شناسانه ولایت و بررسی امکان تحقق آن در جهان واقع	۳۳
دیدگاه اصلی صدرالمتألهین در نحوه تحقق کثرات	۳۶
۱-۲. شناخت جایگاه ولایت در هستی‌شناسی صدرایی	۳۹
۱-۱-۲. اقسام ولایت در نظر ملاصدرا	۳۹
۱-۱-۱-۲. ولایت تکوینی	۳۹
۲-۱-۱-۲. ولایت تشریحی	۴۰
۱-۲-۱-۲. ولایت عامه	۴۱
۲-۲-۱-۲. ولایت خاصه	۴۲
۳-۱-۲. ولایت با ابتناء بر تشکیک در حقیقت وجود	۴۴
۴-۱-۲. ولایت با ابتناء بر وحدت شخصی وجود	۴۹
نسبت وجود منبسط با تعینات حقی و خلقی	۵۴
۲-۲. اشتراکات و اختلافات حقیقت ولایت از دو منظر وحدت شخصی و تشکیک	۵۵
تحقق ولایت در صقع ربوبی	۵۶
نسبت عقل اول و وجود منبسط	۶۰
اتحاد فلسفی (اتحاد با عقل) و فنای عرفانی (فنا در وجود منبسط)	۶۳
فصل سوم	۶۹
شئون معنوی ولایت	۶۹
۱-۳. شئون وجودی ولایت	۷۲
۱-۱-۳. وحدت ولایت	۷۲
۲-۱-۳. قدرت و اراده ولی	۷۶
۳-۱-۳. وساطت در اقسام فیض	۸۱
۴-۱-۳. شأن جهان‌شناختی ولایت	۸۵
۲-۳. امکان تحقق ولایت در جهان واقع (ظهور و تحقق انسان کامل)	۸۹
۱-۲-۳. اموری که کمال انسان به سبب آنهاست	۹۱
۱-۱-۲-۳. علم	۹۱
۲-۱-۲-۳. عمل	۹۲
۲-۲-۳. نحوه تکامل انسان بر اساس علم و عمل	۹۸
۳-۲-۳. اشتراکات و اختلافات در امکان ولایت از دو منظر وحدت شخصی و تشکیک	۱۰۱

۱۰۳	..... ۴-۲-۳. تطبیق اسفار اربعه بر مقام ولایت
۱۱۲	..... ۳-۳. مقام فنا
۱۱۵	..... ۴-۳. شئون معرفتی ولایت
۱۱۵	..... ۱-۴-۳. نحوه ادراک و نوع علم در مقام ولایت
۱۱۶	..... کشف صوری
۱۱۷	..... کشف معنوی
۱۱۷	..... علم در مقام ولایت
۱۱۹	..... ۲-۴-۳. عصمت لازمه علم امام
۱۲۱	..... ۵-۳. شأن اجتماعی ولی
۱۲۳	..... ۱-۵-۳. اهمیت موضوع امامت
۱۲۶	..... ۲-۵-۳. انقطاع نبوت و استمرار امامت
۱۲۸	..... ۳-۵-۳. برتری امامت بر نبوت
۱۳۰	..... ۴-۵-۳. خلافت و امامت
۱۳۷	..... فصل چهارم
۱۳۷	..... بررسی دو رویکرد معاصر: تاریخ قدسی و تاریخ‌مندی فهم دین
۱۳۷	..... مقدمه
۱۳۹	..... ۱-۴. تاریخ قدسی در اندیشه کرین
۱۴۲	..... ۱-۱-۴. معرفت باطنی ولی
۱۴۳	..... ۲-۱-۴. ساحت قدسی امام
۱۴۷	..... ۳-۱-۴. پیامبرشناسی کرین
۱۵۱	..... ۴-۱-۴. ضرورت وجود انبیاء
۱۵۲	..... ۵-۱-۴. امام‌شناسی کرین
۱۶۰	..... ۲-۴. تشیع: ریشه‌ها و باورهای عرفانی، محمد علی امیرمعزی
۱۶۶	..... تاریخ‌مندی فهم دین
۱۶۸	..... ۳-۴. مکتب در فرایند تکامل، سیدحسین مدرس طباطبایی
۱۷۵	..... ۴-۴. نقدها و اشکالات دیدگاه تاریخ‌مندی





## پیشگفتار

### ۱. مسأله پژوهش

ملاصدرا از جمله حکیمانی است که تقریباً همه آراء «فلسفی» اش از نظریه «حرکت جوهری» گرفته تا «اصالت وجود» و «وحدت وجود» مورد بررسی محققان و پژوهشگران قرار گرفته است، اما یکی از مهم‌ترین مسائل «عرفانی» که مورد توجه حکیم صدرا بوده، و پس از او مورد غفلت پژوهشگران قرار گرفته، مسأله «ولایت معنوی» است. بی‌شک «ولایت معنوی» یکی از مهم‌ترین مسائل شیعه بعد از غیبت کبرای حضرت ولی عصر (عج) است؛ اما وسعت دانسته‌های ما و نیز میزان کار پژوهشی محققان درباره ولایت معنوی بسیار محدود است. «ولایت»، مسأله اصلی و یا از مسائل اصلی تفکر شیعی و سنت عرفان اسلامی است و از حیث اول، اصل و اساس تشیع به آن مربوط می‌شود. همان‌گونه که می‌دانیم، ولایت از دو بعد مورد توجه قرار دارد: بعد فقهی - سیاسی که معمولاً در هنگام فقدان قرینه، همین بُعد از این کلمه اراده می‌شود و بُعد معنوی که مسأله اصلی این پژوهش است. در مورد اینکه استعمال اصطلاح «ولایت» در هریک از این دو بُعد به اشتراک لفظی یا معنوی است بحث‌های زیادی صورت گرفته است اما آنچه اینجا مورد تأکید است همان بعد معنوی به عنوان شأنی برای امام/ ولی است که مورد بحث و فحص قرار می‌گیرد. دیدگاه ملاصدرا درباره ولایت به عنوان شأن معنوی عمدتاً در کتاب شرح اصول کافی و در مقام تبیین فلسفی - عرفانی تعدادی از مهم‌ترین روایات وارده از معصوم به ثبت رسیده

است که علی‌رغم اهمیت آنها در تبیین ولایت معنوی و تأثیرشان بر سایر زوایای فکری ملاصدرا، همواره مغفول مانده‌اند.

باید به این مسأله توجه داشت که ملاصدرا به عنوان یک حکیم شیعی در زمان صفویه، زمانی که تشیع، دین رسمی است و این موقعیت را پیدا کرد که از حالت خفا به در آید، درباره ولایت سخن می‌گوید. با توجه به موقعیت زمانی دوره صفویه، پژوهش درباره ابعاد مسأله ولایت و شئون معنوی آن از جمله نقش آن در عالم خلقت و تبیین تصویر انسان - جهانی ولی، از اهم مسائل پژوهشی این رساله محسوب می‌شود.

پرسش این است: از نظر ملاصدرا ولایت چه اهمیتی داشت که او به عنوان یک فیلسوف به شرح یک کتاب حدیثی مثل اصول کافی اهتمام کرد؟ آیا مناقشاتی که هم‌اکنون میان شیعه‌شناسان جهان وجود دارد (مثلاً اختلاف نظر آقایان دکتر امیرمعزی در دانشگاه سوربن فرانسه و دکتر مدرسی طباطبایی در دانشگاه پرینستون آمریکا)، با بررسی نحوه نگاه حکیم صدرا به موضوع ولایت قابل حل نیست؟

در اهمیت موضوع این رساله و هم‌خوانی موضوع تحقیق با نیازهای امروز جامعه، همین قدر بس که بدانیم اصل موضوع ولایت، اکنون که در سال ۱۳۹۷ هجری شمسی هستیم هنوز محل مناقشه است، هنوز عده‌ای به این موضوع تاریخی می‌نگرند و عده‌ای دیگر پدیدارشناسانه. به نظر می‌رسد این مناقشه با غور در آثار صدرا قابل حل است. گرچه اینجانب به عنوان پژوهشگر فلسفه در این رساله، به هیچ وجه ادعای حل این مناقشه را ندارم، اما حداقل مدعای ما این است که موضوع رساله، هم‌سو با مباحث روز جامعه است.

در فصل پایانی رساله این پرسش مطرح است: آیا مناقشاتی که هم‌اکنون میان شیعه‌شناسان جهان وجود دارد، با بررسی نحوه نگاه حکیم صدرا به موضوع ولایت قابل حل نیست؟

روش شیعه‌شناسی دکتر مدرسی طباطبایی که الان در محافل آکادمیک غرب، روش غالب است، روش نقد تاریخی است. یکی از مسلمات و بدیهیات این روش این است که هیچ فکری نمی‌تواند منشأی غیر از منشأ تحصیلی و عینی داشته باشد. دکتر مدرسی طباطبایی معتقد است که مقامات و مواهب و... بحث‌های درون‌مذهبی است و بعد از قبول فردی است که ما او را امام می‌دانیم. نحوه شناخت، یک بحث است و اینکه آنان چه مقاماتی دارند یک بحث دیگر. اختلافاتی که درون جامعه شیعه وجود داشت و دارد به این دلیل است که این بحث‌ها داخلی و بعدی هستند. نقطه عزیمت در بحث‌های امامت، شناخت و نحوه شناخت خود امام است و... آیا ملاصدرا هم نگاه کلامی به این مسائل دارد؟ فرض در این رساله این است که این طور نیست که اگر این‌گونه بود او اصول کافی را شرحی عارفانه نمی‌کرد.

عنوان کتاب دکتر امیرمعزی «امام به مثابه ولی در تشیع نخستین» یعنی تا قبل از شیخ مفید و برآمدن نگرش اصولی و عقل‌گرایانه در تفکر شیعی است. دوازده امام، حقیقت واحدند، آنها نور واحد هستند، حقیقت ازلی آنان حول عرش الهی در حال تسبیح و تقدیس خداوندگار است. علی (ع) ولی مطلق است و محمد (ص) نبی مطلق. محمد (ص) و علی (ع) یک حقیقت واحد و یک نور واحدند. ولایت مصدر و سرمنشأ نبوت است. ولایت، سرچشمه‌ای است که نبوت از آن جاری می‌شود و تشیع دوازده‌امامی اولیه «سنت نخستین باطنی فراعقلانی» است.

دکتر امیرمعزی و دکتر مدرسی طباطبایی هر دو به مثابه مورخ، پژوهشی در تاریخ اندیشه شیعی انجام داده‌اند و قصد آنها بازسازی فکر شیعی بوده است، با این حال می‌بینیم که آنها در زوایای مختلفی از یکدیگر کاملاً دور می‌شوند. اینک این سؤال را می‌شود پیش رو نهاد: تفاوت اساسی میان این دو تفکر کجاست؟ پاسخ را باید در تأثیری جست که صدرا بر اولین محققان این حوزه نهاد؛ یعنی بر کربن که کرسی او اکنون به پروفیسور امیرمعزی تعلق گرفته است.

یکی از کسانی که به شدت تحت تأثیر فلسفه صدرایی بود، پروفسور هانری کربن است. کربن درباره شیعه و امامت می گوید دور نبوت تمام شده و دور ولایت آغاز شده است. این دور، دور تاریخی به معنای تاریخی مرسوم نیست. شیعه یعنی استمرار دور ولایت. کربن فیلسوف است. فیلسوف اگر متکی به شواهد تاریخی باشد که اصلاً فلسفه نمی گوید. فیلسوف از ماهیت پرسش می کند. لذا روش پدیدارشناسی کربن، خود به خود ما را به این سمت می برد که ببینیم حقیقت تشیع یا به اصطلاح، پدیدار و اساس اولیه شیعه چه بوده است.

کربن اصل یا ذات تشیع را مفهوم ولایت می داند. دکتر امیرمعزی می گوید در شیعه نخستین، یعنی در قرون اولیه، آنچنان که در متون اولیه شیعه پیدا می شود ولایت اصل است. یعنی در واقع هم کربن و هم امیرمعزی کلامی شدن شیعه را -آنچه دکتر مدرسی طباطبایی بر آن پای می فشرد- دور شدن از اصل و ماهیت اولیه می دانند و می گویند تشیع به همین ترتیب پیش رفت تا به سید حیدر آملی رسید. سید حیدر آملی دوباره حقیقت عرفانی تشیع را متذکر می شود. البته هیچ کدام نمی گویند فقه یا کلام جزء ابعاد شیعه نیست، منتهی می گویند اصل تشیع این نیست. سخن از اصل است؛ اصل تاریخی در امیرمعزی و اصل پدیداری یا ماهوی در کربن. متأسفانه تاکنون در هیچ رساله و کتابی به این نگاه خاص ملاصدرا به روایات پرداخته نشده است؟

طرفه آنکه امام خمینی نیز که ولایت سیاسی و فقهی را شأنی از شئون ولایت معنوی می دانست، با تلفیق اندیشه های ذوقی و عرفانی خود با آراء و اندیشه های فلسفه صدرایی توانست آراء بدیع فقیهانه خود را گسترش بخشد و ولایت مطرح در فقه سنتی را که بسیار مضیق و محدود بود تا حد بسیاری بسط و توسعه دهد. از این رو شناخت مبانی عرفانی ولایت در اندیشه ملاصدرا که بسیاری از جمله امام خمینی نیز در حوزه فکری او قرار دارند افق تازه ای به سوی درک صحیح این مقوله به عنوان شأنی معنوی در فلسفه ملاصدرا و رویکرد خاص او در شرح اصول کافی خواهد گشود.

## ۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

بحث «ولایت»، ابعاد و شئون مختلفی دارد و هریک از این شئون نیز نیازمند تبیین مستقل است. از جمله مباحثات و مناقشات موجود، ولایت سیاسی و ولایت پس از ختم امامت و... است. در ضرورت انجام این تحقیق همین بس که به «ابعاد سیاسی ولایت» و موضوع «ختم امامت» و «ولایت فقهی» بسیار توجه شده اما آبخشور آنها و مهم‌ترین امر که «ولایت معنوی» است مورد غفلت قرار گرفته است. ولایت در بعد معنوی است که دارای شئون حکمی و عرفانی است و قابل تسری به ولایت فقهی است و از ابعاد جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی قابل بررسی است. شأن موضوع، اصالتاً حکمی و معنوی است اما در حد یک موضوع صرفاً اجتماعی و سیاسی دیده شده است؛ علی‌رغم آنکه ملاصدرا کتابی دقیق با عنوان شرح اصول کافی نگاشته است. متأسفانه حداکثر توجه به این کتاب، در حد ترجمه‌ای است که موجود است و به هیچ وجه این اثر، محتوایی مورد بررسی قرار نگرفته است.

نباید از جایگاه شرح اصول کافی و اهمیت توجه حکیم ملاصدرا به شرح اصول کافی غافل بود. چرا ملاصدرا من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام یا استبصار را شرح نکرد؟ تبیین جایگاه شرح اصول کافی و به تبع، تبیین اهمیت اصول کافی در نظر یک حکیم فیلسوف از رسالت‌های این رساله است.

نکته مهم دیگر این است که بفهمیم بحث ولایت معنوی در مسائل عصر جدید و دنیای جدید چگونه قابل طرح است؟ نسبت آن با امر قدسی و الوهیت و آفاق تفکر معنوی در عالم اسلام و جایگاه آن در دنیای امروز چگونه است؟ و آیا با نگاه تاریخی‌نگری می‌توان موضوع را مطابق با نیازهای روز جامعه دید یا نیاز به نگاه پدیدارشناسانه و هرمنوتیکی است؟

### ۳. اهداف پژوهش

می‌دانیم آراء ملاصدرا بر فلاسفه و حکمای پس از او تأثیر عمیق داشته است. در عظمت کار وی فقط فیلسوفان مسلمان معاصر سخن نگفته‌اند و فیلسوفان برجسته‌ای چون هانری کربن و توشیهیکو ایزوتسو نیز آن را تأیید کرده‌اند. در عالم اسلام این تأثیرگذاری چنان بارز است که فیلسوفان پس از او چون علامه طباطبایی، امام خمینی، آیت‌الله جوادی آملی در سلک نوصدرائیان درخشیده‌اند. فلاسفه غرب اصولاً به «ولایت معنوی» امعان نظر دارند اما بعضاً متکلمان و فقیهان شیعه، موضوع ولایت را محدود به بعد فقهی - سیاسی‌اش کرده فقط بر این بعد تأکید دارند. به همین جهت اهداف این پژوهش را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- تبیین نگاه ملاصدرا درباره ولایت معنوی از منظرهای هستی‌شناختی، جهان‌شناختی و انسان‌شناسی.
- بررسی تأثیر نگاه ملاصدرا بر پیروان فکری‌اش یعنی متفکران و اندیشمندانی که ولایت را در بعد معنوی و عرفانی آن تبیین می‌کنند.

### ۴. پرسش‌های پژوهش

سؤال اصلی:

ماهیت و مؤلفه‌های «ولایت معنوی» در اندیشه ملاصدرا با تکیه بر شرح اصول کافی ایشان چیست؟

سؤالات فرعی:

۱. ملاصدرا نسبت ولایت معنوی با تشیع را چگونه تبیین می‌کند؟
۲. ملاصدرا چگونه از سه منظر هستی‌شناختی، جهان‌شناختی و انسان‌شناختی به تبیین ولایت معنوی پرداخته است؟

۳. نسبت ولایت با امر قدسی و الوهیت و آفاق تفکر معنوی در اسلام

چگونه قابل تبیین است؟

۴. ملاصدرا از بین دو نگاه تاریخی نگرانه و پدیدارشناسانه به مسأله

ولایت معنوی، به کدام یک متمایل است و شواهد بر هر کدام چیست؟

## ۵. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی:

از نظر ملاصدرا، ولایت معنوی، مبدأ و منتهای وجود، مجالای کمالات وجودی جهان و مظهر مراتب ظاهری و باطنی آن و مظهر خلافت کبرای الهی است.

فرضیه‌های فرعی:

۱. از نظر ملاصدرا، ولایت معنوی با ولایت تکوینی در تفکر شیعی

معادل است و آن را مکمل ولایت تشریعی و مقام باطنی آن می‌داند.

۲. از نظر ملاصدرا، ولایت از منظر هستی‌شناختی، مکمل دایره وجود

در قوس صعود و مجرای تجلی حقیقت از افق عدم در قوس نزول به

شمار می‌آید، از منظر جهان‌شناختی، تجلی جهان خلقت و ظهور

مراتب عالی و سافله آن است و از منظر انسان‌شناختی، مقام خلافت

کبری و مشیت عظمای الهی است.

۳. ولایت تکوینی و شئون آن، پاسخی به پرسش از امر قدسی و رابطه

آن با جهان و انسان است و بیانگر آفاق تفکر معنوی ایرانی-اسلامی

است که در اندیشه‌های حکمی-معنوی ملاصدرا منطوقی است.

به نظر می‌رسد که دیدگاه ملاصدرا از بین دو نگاه تاریخی نگرانه و

پدیدارشناسانه به مسأله ولایت معنوی، تنها با نگاه پدیدارشناسانه قابل تبیین است

و تاریخی‌نگری فقط می‌تواند شواهدی به ما ارائه دهد و قدرت تبیین موضوع را

ندارد.



## ۶. پیشینه پژوهش

موضوع ولایت به طور عام مورد علاقه و تحقیق بسیاری از محققان داخلی و خارجی است، اما ولایت در اندیشه ملاصدرا موضوعی است که مهجور واقع شده و تقریباً به صورت مستقل، کسی بدان نپرداخته است. ضمن آنکه در سال‌های اخیر گرچه توجه به موضوع ولایت به دلیل شأن سیاسی آن، محل توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است اما درباره موضوع «ولایت معنوی» به طور مستقل، پژوهشی صورت نگرفته است. بنا به گزارش ایران داک (که ضمیمه است) موضوعاتی که در پیشینه پژوهش، نزدیک به موضوع بوده به شرح زیر هستند:

۱. ولایت و امامت از دیدگاه ملاصدرا، نسیم پورمحمدی، کارشناسی

ارشد، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید مطهری.

در این پایان‌نامه، گزارشی از نگاه ملاصدرا به انسان کامل با بهره‌گیری از متون فارسی، بدون ارجاع به شرح اصول کافی و تبیین دو قوس صعود و نزول، اوصاف مقام خلافت، اوصاف ولی و... ارائه شده است.

۲. مبانی عقلی ولایت در فلسفه ملاصدرا، ندا درخواه، کارشناسی

ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

نیمی از این پایان‌نامه به مباحث فلسفی اصالت وجود و تشکیک در وجود و حرکت جوهری و... و نیمی دیگر به مراتب عقل نظری و عقل عملی و ولایت تکوینی و تشریحی و... اختصاص یافته است.

۳. امامت و ولایت از دیدگاه ملاصدرا، مریم محمدی آرانی، کارشناسی

ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم.

در این پایان‌نامه، امامت و ولایت از دیدگاه قرآن کریم و متکلمان و عرفا، تبیین تأثیر ابن عربی بر ملاصدرا، تشتت آراء ابن عربی در موضوع خاتمیت «از نظر مؤلف رساله»، ولایت مطلقه و مقیده مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

۴. بررسی آیات مربوط به امامت با محوریت احادیث *اصول کافی*، احمد علی اکبرپور، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

این پایان نامه به استخراج آیات قرآنی مربوط به ولایت از قرآن کریم، تبیین آیات بر مبنای کتاب *اصول کافی*، ولایت و ولی در قرآن، نسبت ولایت و نبوت، ختم ولایت و... اختصاص دارد.

۵. رابطه ولایت با خاتمیت براساس مبانی حکمت متعالیه، محبوبه اسماعیل زاده نوقی، دکترای تخصصی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور مرکز.

در این رساله، جایگاه ولایت در آفرینش، ذومراتب بودن در نیل به مقام ولایت، جایگاه ولایت، نسبت ولایت با خاتمیت، ویژگی اولیاءالله و مبانی فلسفی استمرار ولایت مورد بحث قرار گرفته است.



## فصل اول

### کلیات

#### ۱. آموزه ولایت در معارف اسلامی

آموزه ولایت در منظومه فکری شیعه، تفاسیر مختلف و متنوعی داشته است. هر اندیشمندی به فراخور حال خویش، آن را به نوعی تبیین کرده و این تبیین‌ها در دسته‌های عمده فلسفی، عرفانی، کلامی و حدیثی طبقه‌بندی شده است. تفسیر عرفانی از ولایت تا حدودی به رابطه عرفان و تشیع گره خورده است. سید حیدر آملی، ضمن تصریح به این نکته که هیچ دو طایفه‌ای، همانند تشیع و تصوف بر یکدیگر خرده نگرفته‌اند، ادعا می‌کند که ریشه هر دو یکی است. شیعیان، به‌ویژه شیعیان اثناعشری، معارف خود را از علی(ع) و فرزندانش گرفته‌اند. عرفا نیز علوم و خرقة خویش را به حضرت علی(ع) منسوب می‌دارند؛ زیرا فرقه‌های تصوف یا به کمیل باز می‌گردند، یا به حسن بصری که هر دو از مریدان خالص حضرت علی(ع) به شمار می‌آیند، یا از امام صادق(ع) که فرزند امام علی(ع)، امام منصوب معصوم است.

سید حیدر به نکته‌ای اشاره می‌کند که مرز میان تصوف و تشیع را روشن می‌سازد: تشیع ظاهر و تصوف باطن تعالیم ائمه(ع) را اخذ کرده‌اند (آملی، ۱۳۴۷: ۴ - ۵، ۲۲۱ - ۲۲۶). طبق این نگرش، سرچشمه تشیع و تصوف یکی است، ولی در مقام تبیین معارف، هریک نظام مفهومی خاصی را برگزیده و در قالب آن مسائل را سامان داده‌اند.

اصطلاح «انسان کامل» را نخستین بار ابن عربی مطرح کرد و در کتب خود به کار برد. وی با این نوآوری توانست مطالب ارزنده‌ای بر اساس عرفان نظری به جای بگذارد. تفسیر این آموزه، سبب شکل‌گیری «نظریه انسان کامل» شد که نقش مهمی در آشکار شدن زوایای مختلف آموزه «ولایت» در عرفان داشته است. از سوی دیگر، تفسیر آموزه «ولایت» به صورتی که در احادیث تبیین شده، وامدار «نظریه انسان کامل» در عرفان نظری است.

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی در پاسخ به این پرسش هانری کربن که «ولایت یک مفهوم عرفانی است که شیعه از متصوفه گرفته، یا آموزه شیعی است که متصوفه از شیعه اقتباس کرده‌اند؟» می‌گوید: اگر قرار بر داد و ستد باشد، باید گفت این مفهوم را متصوفه از شیعه گرفته‌اند؛ زیرا به لحاظ زمانی، پیش از آنکه عرفان اسلامی یک دستگاه نظام‌مند شود، امامت و ولایت در میان شیعه مطرح بوده است (مطهری، بی‌تا، ج ۳: ۲۸۹ و ج ۴: ۸۴۸ - ۸۴۹).

بر این اساس، در بحث از ولایت / امامت، دست‌کم می‌توان ادعا کرد که اصل این آموزه، یکی از اعتقادات بنیادین شیعی و قوام‌بخش هویت تشیع است که از بدو شکل‌گیری تشیع حضور داشته و متمایزکننده شیعه از سایر فرق مسلمان بوده است. مطابق تعبیر علامه طباطبایی، بحث قطب / ولی و اصطلاحات هم‌سان، از مجرای تشیع وارد تصوف شده است. البته این بدین معناست که خود این مفاهیم از تشیع وارد تصوف شده‌اند و حقیقت آنها ریشه شیعی دارد. بدیهی است که قطب و امثال آن، اصطلاحات خاص عرفانی است.

مطابق نظر شیعه، پیامبر اسلام (ص) مانند سایر پیامبران بزرگ پیش از خود، افزون بر قدرت نبوت و رسالت، قدرت ولایت نیز داشته که این قدرت به امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و از طریق آنها به همه امامان منتقل شده است. از آنجا که امام همیشه زنده است و زمین هیچ‌گاه از حجت خدا خالی نیست، قدرت ولایت نیز همیشه در جهان وجود دارد و انسان‌ها را به حیات معنوی رهنمون می‌شود.

سلسله امامت در امام دوازدهم به پایان می‌رسد. وی امام غایب زمان ماست. او در عالمی فرامحسوس مقیم و از دید مردمان نهان است تا آنگاه که زمان ظهور آتی وی، ظهور نهایی او که خاتم دور کنونی ماست فرارسد. ممکن نیست که زمین آبی از امام ولو امامی غایب و از دیده نهان، خالی باشد زیرا در این صورت ارتباط زمین با آسمان منقطع خواهد شد (کربن، ۱۳۹۵: ۳۸۱).

از این‌رو، دایره ولایت که در پی دایره نبوت می‌آید، تا این روزگار نیز تداوم یافته و حضور همیشه زنده طریق عرفانی را در اسلام تضمین می‌کند. این معنا، با اصطلاح ولایت نیز تناسب دارد؛ یعنی ولایت در اسلام با حضور روحانی همیشه زنده‌ای سرو کار دارد که موجب می‌شود انسان‌ها بتوانند حیات معنوی داشته باشند و به مقام «ولی خدا بودن» برسند. از همین‌روست که بسیاری از صوفیان از زمان حکیم ترمذی (۲۹۶ ق) توجه زیادی به این بعد اصلی تصوف داشته‌اند.

آن‌گونه که در نوشته‌های سید حیدر آملی به چشم می‌خورد، باور به امام به عنوان قطب عالم امکان، با مفهوم قطب در تصوف تقریباً یکسان است. وی می‌گوید: قطب و امام، دو واژه‌اند با یک معنا که هر دو به یک شخص دلالت دارند. آموزه انسان کامل آن‌چنان که ابن عربی بسط داده به آموزه شیعی قطب و امام بسیار نزدیک است. همه این آموزه‌ها، از اساس و در نهایت از واقعیت عرفانی یکسانی حکایت دارند؛ یعنی حقیقت محمدیه که هم در تصوف و هم در تشیع وجود دارد.

به لحاظ تاریخی، سیدحیدر آملی نخستین متفکر برجسته‌ای است که عرفان نظری را در بستر شیعی جاری کرده و در این میان، به تبیین و توجیه آموزه ولایت همت گماشته و ولایت در تفکر شیعی را با انسان کامل در تفکر عرفانی پیوند داده است.

صدرالمতألهین در آثار مختلف خود، به این موضوع با دیده پذیرش می‌نگرد (مازندرانی، ۱۴۲۱: ۴۶۸ - ۴۷۱). وی در ذیل تفسیر آیه مبارکه نور، در فصلی با نام